



۳۲ سال از زبیده شدن امام موسی صدر می‌گذرد و هنوز از او خبری نیست

غریبی و اسیری چاره‌داره؟

● حضور امام موسی صدر در لبنان، معادلات منطقه و حساب‌های همه را به هم زد. همه، یعنی رژیم صهیونیستی، گروه‌های چپ فلسطینی و کشورهای عربی. دلیل خصومت رژیم صهیونیستی با کسی چون امام صدر کاملاً واضح است؛ تشکیل مقاومت در لبنان و مخالفت دائمی با موجودیت صهیونیست‌ها و تشویق همه مردم به مبارزه. گروه‌های چپ فلسطینی اما با همه حمایت‌هایی که امام موسی صدر از مبارزه فلسطینی می‌کرد و کمک به آزادی فلسطین را کمک به حفظ ارزش‌های انسانی می‌دانست، به دنبال نفوذ در جنوب لبنان و کنترل آن بودند.

چرا امام موسی صدر باید ربوده می‌شد؟

گروه‌های چپ فلسطینی دنبال این بودند که خودشان حاکم و فرمانده باشند و شیعیان لبنان گوش به فرمان آنها. از سال ۱۳۵۶ هم که طرح اسکان فلسطینیان در جنوب لبنان مطرح شد، همه به آن راضی بودند جز امام صدر که می‌گفت فلسطینیان باید به وطن خود بازگردند، نه اینکه سرزمین دیگران به آنها بخشیده شود و مردمان دیگری آواره شوند. امام صدر همچنین بارها از فلسطینیان خواست جنوب لبنان را محل حمله به رژیم صهیونیستی قرار ندهند، چراکه بمب‌های صهیونیستی که در جواب حمله فلسطینیان پرتاب می‌شد، بر سر شیعیان ساکن منطقه فرود می‌آمد، وقتی که فلسطینیان آنجا را ترک کرده بودند. فلسطینیان که اکثر رهبران آنان چپ بودند، این حرف‌ها را مخالفت امام با فلسطین معنی می‌کردند و به ایشان می‌تاختند. تا جایی که چند بار به امام صدر سوء قصد و به محل سکونتش حمله کردند. با همه اینها امام صدر می‌گفت اسلحه شیعیان هرگز به سمت فلسطینیان نشانه نمی‌رود. این حرف در حالی گفته می‌شد که فلسطینیان رسماً شیعیان جنوب را آزار و اذیت می‌کردند، اما امام صدر دعوت به صبر می‌کرد تا مبارزه با رژیم صهیونیستی جایش را به مبارزه لبنانی و فلسطینی ندهد. از طرف دیگر کشورهای عربی‌ای مانند عراق، لیبی، سوریه، مصر، عربستان و... هر کدام حزبی و روزنامه‌ای در لبنان داشتند تا نقشه‌هایشان را عملی کنند. لبنان محل معامله و خودنمایی شرق و غرب بود. حالا این وسط مردی از

ایران پیدا شده بود که همه این معادلات را به هم زده بود؛ مردی که مدام از لبنان واحد و روح ملی می‌گفت. امام صدر هویت و خودباوری را بین همه مردم لبنان، به خصوص شیعیان دوباره ساخت تا برای خودشان وطنشان باشند و بازیچه این و آن نشوند. در نتیجه احزاب وابسته دیگر نیرو و سربازی نداشتند که برای درگیری و امتیاز گرفتن بفرستند وسط آتش و گلوله. لبنانی‌ها سربرداشته بودند برای خودشان و امام صدر همه جا از حفظ لبنان دفاع می‌کرد و نمی‌گذاشت طرح‌های تجزیه عروس مدیترانه عملی شود. در نتیجه، توافق نانوشته‌ای برای حذف امام موسی صدر به وجود آمد. همه اینها به این نتیجه رسیدند که تا موسی صدر در لبنان است، خواب و خیالشان عملی نمی‌شود.

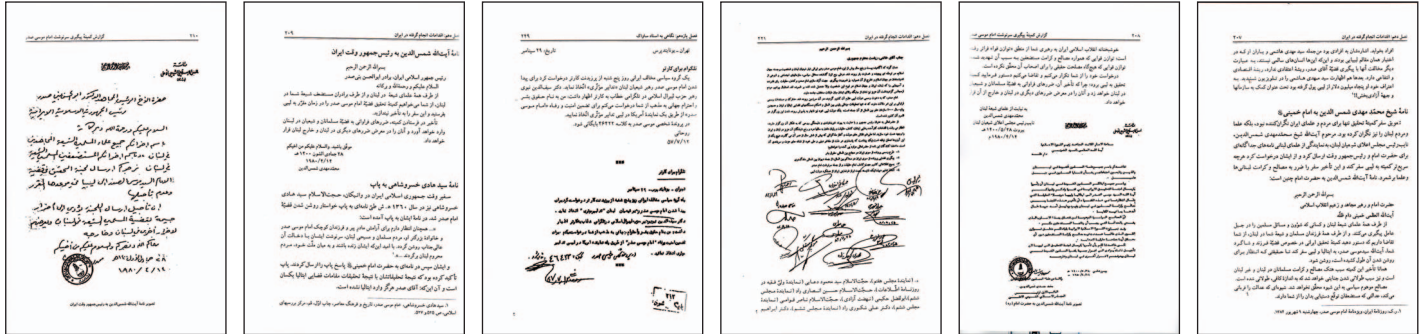
چطور امام موسی صدر در روز روشن ربوده شد؟

سندی بین اسناد ساواک درباره امام موسی صدر وجود داشت (که در چاپ مجموعه اسناد مربوط به او حذف شد) مربوط به تیر ۱۳۵۷ که در آن مامور ساواک در سوریه، به تهران گزارش می‌دهد که مقامات سوریه اطمینان دادند قضیه موسی صدر تا دوامه دیگر حل خواهد شد. این شاید تا امروز مهم‌ترین سندی باشد که درباره توطئه ربودن امام موسی صدر دیده شده است. محل این جنایت اما لیبی بود؛ کشوری که دیکتاتورش آن قدر دیوانه بود که انجام چنین کاری را قبول کند. اما مساله، رفتن امام صدر به لیبی بود. رابطه ایشان با لیبی چندان مساعد نبود. علتش هم



کتاب گزارش کمیته پیگیری سر نوشت امام موسی نو مجلس (۱۳۸۷) گزارش کاملی در این سالها برای پیگیری این ماجرا را به دست می دهد

ایشان نمونه ای از مکاتبات متعددی است که در باره ناپدید شدن امام موسی صدر به مراجع بین المللی مختلف انجام شده است



آنجا تحت درمان بود) می‌رساند.

آخرین باری که امام موسی صدر و دو همراهش دیده شده‌اند، ساعت یک بعدازظهر نهم شهریور ۵۷، (۳۱ اوت ۱۹۷۸) جلوی هتل بود که سوار ماشین‌های تشریفات دولتی شدند و در جواب اینکه کجا می‌روند، گفته‌اند به ملاقات قذافی. قذافی خودشان را به ندانستن زد و گفت آنها به ایتالیا رفته‌اند. دولت ایتالیا تحقیقات مفصلی انجام داد تا ثابت کند امام صدر به آنجا نرفته. این تحقیقات ثابت کردند امام موسی صدر هرگز از خاک لیبی خارج نشده است.

نهم شهریور امسال تعداد سال‌های رفته شده شدن و غیبت امام موسی به ۳۳ می‌رسد و داستان ربودن و اسارت و غربتش باز هم تکرار می‌شود. باز هم چند خبر و تقدیر و تمجید... احتمالا تا سال بعد و تکرار دوباره همه اینها.

پادشاه اردن و حافظ اسد هم به او اضافه شدند. سرانجام کاردار لیبی در لبنان در ۲۸ ژوئیه دعوتنامه رسمی دولتشان را به امام صدر داد. ایشان هم تاریخ سفر را ۲۵ اوت اعلام کرد و گفت به دلیل بیماری همسرش حتما قبل از اول سپتامبر از سفر برمی‌گردد. در فرودگاه طرابلس وزیر امور خارجه از امام صدر و دو همراهش - شیخ محمد یعقوب، معاون امام و عباس بدرالدین، رئیس خبرگزاری لبنان - استقبال کرد. محل سکونت ایشان در قسمت امنیتی هتل نشاطی تعیین شده بود. در روزهای بعد، بایکوت خبری و ارتباطی امام صدر شروع شد؛ نه خبری از حضور او در لیبی منتشر شد و نه حتی امکان ارتباطش با خارج از لیبی وجود داشت. حتی کاردار لبنان سه روز بعد از رسیدن امام صدر به لیبی از سفر آنان باخبر شد. امام صدر تنها توانست تلگرافی بفرستد و به خانواده‌اش خبر بدهد که برای اول سپتامبر خودش را به فرانسه (جایی که همسرش در

توهمات قذافی، دیکتاتور لیبی بود که خود را امیر عرب می‌دانست و در تنها دیدارش با امام صدر تا آن روز، خود را به خواب زده بود تا به ایشان توهمین کرده باشد. در همان حال هم از خرج کردن پول در لبنان و تبلیغ علیه شیعیان کم نمی‌گذاشت.

بهار سال ۵۷ رژیم صهیونیستی حمله جدیدی را به جنوب لبنان آغاز کرد. فلسطینیان و چپ‌ها از معرکه فرار کردند و بچه‌های امل و شاگردان چمران ماندند و دفاع کردند. امام صدر برای وادار کردن سران عرب به واکنش و اعتراض به این حمله سفری دورهای را شروع کرد اما قرار نبود به لیبی برود. در الجزایر هواری بومدین - رئیس جمهور - پیشنهاد کرد امام صدر به لیبی هم برود، شاید که موثر باشد و کارشکنی‌های لیبی کم شود. امام صدر با سابقه‌ای که از قذافی می‌دانست راضی به این کار نبود اما اصرارهای بومدین ادامه پیدا کرد و دیگری چون یاسر عرفات و